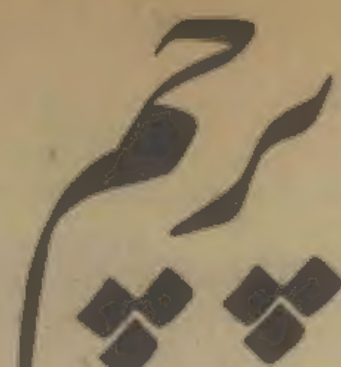
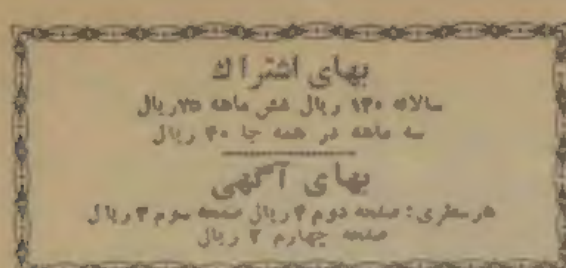


جای اداره  
خیابان لاله زار کوچه بهرام بازار بختری  
تلفن ۶۰۴۶  
تک شماره ۵۰ دینار



دارنده و نویسنده کسروی تبریزی



بهای اشتراک  
ساله ۱۲۰۰ ریال هفت ماهه ۷۵۰ ریال  
سه ماهه در همه جا ۴۰۰ ریال  
بهای آگهی  
هر سطر: صدمه دوم ۴ ریال صدمه سوم ۳ ریال  
صدمه چهارم ۲ ریال

سال یکم - شماره ۷۷

شنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۲۱

## یک یادگار تاریخی



از سال ۱۳۲۷ چون معاصر  
تبریز بنوازی کشید و در  
شهرگرسیک بیداشت دولت  
خودکامه روس بنوازی اینک  
اتباع او در تبریز دجلو سخی  
و گرسکی شده اند و باید  
آرد و آذوقه بآنها برساند  
شروع برستان سادات و  
فراق بایران کرد. این خبر  
چون به تبریز رسید سران  
آزادخواهی و سردستانان  
مجاهدان بخارا، بلخ و سر  
احمد چنان قرار دادند که  
سلطانان بروند و بعد  
طبریز را در پادشاه بود  
نگراف کرده آتش خواهند  
بهرنویسند و پادشاه را در  
بدست آورده و اداره کنند  
که راه آذربایجان بروی شهر  
یاز کند تا بهای برای دولت  
خودکامه روس باز نماند.  
این بود سردستانان مکی  
سلطانان کبلی رفتند

از آتیا یا محمد طبریزا برداختند. محمد طبریزا یک پاسخ مهرآمیزی داد و امید یافت که عقبه بدخواه آزادخواهان پادشاه رسد. ولی در همان هنگام که سپاه این  
پادشاه را از تبریز بفران و از تهران به تبریز می رسانیدند یک سیم دیگری از جفا گذشتن سپاهیان روس را از مرز آگاهی داد و این بود نتیجه آن کوشش مترسکریه.  
مکی بالا در آنکاه کبلی در همان هنگام بر داشته شده و سردستانان تبریز را (اوشیح صمد خیابانی و میرزا اسماعیل نوری و حاجی مهدی آقا کوزه کنانی و میرزا حسین واعظ  
و آقا حیدر حیدر تقی زاده و صمدالتجار و دیگران) نشان میداد

## گزارش هفتگی

### ۱. پیر لاول رئیس دولت فرانسه

تبریز کاپیت فرانسه و سر کار آمدن پیر لاول

از پیش آمده های مهم هفته گذشته بود و این موضوع  
نوعه سیاستمداران شرق و غرب را بسوی خود کشیده.  
استان نامهای وزیرای فرانسه که بدست مایه است  
میلومیشو و دستوزارت کشور و خا جوووزارت استعیرات  
را نیز خود لاول همه دار شده است و چنانچه مشغله  
میکرد اغلب از وزیران این کابینه ریشنه و زوات  
نداشته و دارای شهرت سروریت پندند گویا این  
اشخاص همه از میان سیاستمداران گمنام انتخاب شده اند  
چنانکه معروف است و خود لاول نیز سرچا احترام  
بسیار مثالی از سابق طر فساد همکاری با آلمان  
بوده و معتقد است فرانسه از خطر موقعیت جغرافیایی که  
دارد باید سیاست خود را با سیاست آلمان وفق داده و  
با ملت ژرمن همکاری نماید

هر گاه بخواهد طبق نصرت وزیر که پس از  
شکست کابینه فرانسوی را بر سر کار می برد  
بود توجه کنیم این موضوع پس نیمه همکاری با ملت  
آلمان از خلال کتای او و همدا و شبیه میشود.  
بر سر اطلاعاتی که از سواست این مرد دو دست داریم  
پیر لاول یکی از سیاستمداران متهور فرانسه بوده و اگر  
چندی مثالی را به حال خود بگذرانیم شاید با خیال کار  
حالی موفق شود و همین مصوبیت مداخلت پس که در صفا  
ملت فرانسه همه کافی موجود است میتوان در این موقع  
بفرستد کت شایانی بلژایک شاید نطقی که مداخلت پس  
پس از تشکیل کابینه لاول در برابر وادو ایراد نمود  
صرفا برای هیچ منظور و محض کت و دست گیری  
از این سیاستمدار مسل است

خود لاول نیز در آغاز نطق اخیر خود قول این  
مسئولیت را بر حسب امر مداخلت فرانسه و اتود کرده  
و منظور وی از این بیان است که - از مصوبیت این  
سرکار ریشنه بوده و لاول خواست است با این وسیله  
حاله مدعیان و بد گویان خود جلو گیری نماید  
ولی مخالفت صریح آمریکا و انگلیس و احتیاط امیرال  
لهبی سرمد دولت نموده ازوبشی نصرت وزیر مداخلت فرانسه  
و ا خود مشغول ساخته و این در مملکت ارکان کابینه او  
و اعتدال مینمایند. زیرا بطوری که میدانیم ملت فرانسه  
اهم از موافق و معطوب پس چه آتیا یک مدعیان سیاست  
لاوال هست و چه کتلی که طرفدار آن میباشد هموما  
بفرمان و هیئتگی باشد آنها نتیجه افکار بوسید، اندیشه  
های کج، و خیالات غلامدین بدادیشان گذشته و حال  
است که گویا همه خواهی خواهی خواهند اند سالهاست  
که شما با این حال نگه داشته و کوششی در راهمداری  
شما نگه داشته و تقصیر را از خود نیندازد و بگردن شما  
میاندازند، در صورتیکه خود مقصود گناهکارند. آن مرد  
برادر با حال سرگشته که هر از چند گاه راست و هور و  
رویه خزان با همه سر که گیر ششده چه تقصیر دارد  
تقصیر از آنها است که میدانسته و برود با نمانده اند  
گت از آنهاست که امروز ترمیم یافته و برود با نمانده  
و جز در بی سود و صرفه مقام وجه خود نیستند

## مارا چشده که از سپاه بی نیازی نماییم؟

ما گاهی میفهمیم کسانی از سپاه (یا ارتش) بد می گویند و دلنگیا می نمایند. برخی پیشنهاد می کنند  
مقام وظیفه نباشد. برخی می گویند سپاهیان کمتر گردد. برخی بگویند از سپاه بی نیازی می نمایند و بی احترامی  
در رخ لبی گویند. ما نباید غرض اینها چیست؟ شاید سخن دیگری پیدا می کنند که باینها می پردازد  
ما را چشده که از سپاه بد گویم؟ چشده که از آن بی نیازی نماییم؟ مگر نیفهمیم کشور خود  
را بنگه داریم؟ نیفهمیم آزاد و سرفراز زندگی کنیم؟ نیفهمیم در کشور امنیت و آسایش باشد؟ نیفهمیم  
اشاره در جای خود نشیند.

این سخنان از هر دهانی که بیرون می آید بسیار بفرده است. اینها بهترین دلیل است که یک نودهای  
کبرای برای زندگی خود داشت و هر کسی آزاد بود آنچه خودش گذشت بزرگ آورد و سخنان بسیار بفرده ای  
بیرون ریزد

در اینجا یک نکته دیگری نیز هست. و آن اینکه بکدام سپاهیان که در روز و زمان شاه گذشته  
چاپلوسها می نمودند و ستایشگرها می برداشتند، امروز بتلاقی آن میفهمند از همه کارهای شاه بد گویند و  
دلنگی نشان دهند و چون کسی جلوشان نیگیرد کار را نایدگویند از سپاه نیز می رسد. این طبیعت چاپلوسیت  
چاپلوس از بست نهاده میباید کسی را توانا دید او را ستایش خواهد نمود و از اندازه بیرون خواهد رفت و  
هیچکس کسی را نتوان یافت از بدگوئی و رانندگی نخواهد ایستاد.

بدینست ایران که گرفتار یکشت چاپلوسان بست نماند گردیده. بدینست بیست ملون مردم که باید مآش  
بستبندی ایشان بسوزند. آدم می تواند بیجایی برود. بهر مجلسی می روی یکی از ایشان هست و یا صد میفرمی  
رو در می آورند و مانند پناه ای سخن را بدگوئی از شاه گذشته می گردانند. همانا پیش خود با این رفتار  
برده بروی ستایشگرها و چاپلوسهای دیروزی خود می کشند لیکن همین رفتار دلیل دیگری به بستن ایشانست.

هر چه هست باید بیولوگیری برداشت. باید میدان باین نادانها نهاد. ما بایمان نیاز بیولو سخی داریم.  
ما امیدمان پس از باوری غدا آفریدگار چاشقانی و سرزازی جوانان دلیر و سرکردگان کاروان سیاحت.  
ما از شاه گذشته تا بود ستایش نیردافتیم و شاید در هشت سال که بپایان را می نوشتم بیش از یکبار  
نام او را بردیم ولی امروز می نوایم از کارهای یک و نارنجی او یاد کنیم. یکی از کارهای بسیار سودمند  
آتش بدید آوردن سپاه بود که بدستبازی همین سپاه کشور را این گردانید و خالصی او از ایران برانداخت و  
دولت را برموده ساخت. این کار در تاریخ نام آن پادشاه خواهد ماند

آری پیشامدهای شهریور ماه ۱۳۲۰ سپاه ایران را در نظرها خواند گردانید و آن را بسیار کوچکتر  
از آنچه بود و هست نشاناد. ولی باید دانست که آن پیشامدهای یکساله مروری رخ داد و یکدستان سده ای بود  
و هنوز اسرار آن کشف نگردیده. هر چه هست ایران در آن پیشامدها شکست نظامی نبرد. آری در هندوستان  
چه تن از سرلشکران و سرکردگان، وظیفه ناشناسی و پستی از خود نشان دادند (از قبل سرلشکر محسنی و سرلشکر  
مسی و سرلشکر قنبری و سرلشکر بویا و برخی دیگر) لیکن در برابر آن مردان چاشقانی مردانگیها و دلیرها  
از خود نمودند و چنان از آلمان جان درازن رده داشتند. مخصوصا افراد در آلمان چاپلوسهای سپاه فستداری  
دیده شد که کت گمان میرفت

از پسگو این پیشامدهای شهریور ماه و از سوی دیگر حیثیاتی که از دست سرلشکر و اسیر دیده شده  
صوابی بدست کت دیده شده که زبان بدگوئی باز کنند. حتی آن روزنامه هایی که در روز سونهای خود را از  
سایش و افش با عظمت دولت شامشاهی که بر می کردند امروز همه آنها را فراموش کرده اند و بجای ستایش  
نگوشت رداخته اند  
شکست تر ازده آن بدگوئی است که چندی روز پیش آقای مدد در مجلس از سپاه کرده. این داستان  
بسیار شکست است. بدگوئی از سپاه آید از زبان مدد! بکته یکی از آشنایان بهییر گمان می رفت و  
این میرفت.

گویا مشد قضیه اینست که چون در هفته پیش یکی از جوانان جهمی (آقای مسیح آزاد) شرحی در  
برج نوشته و پس از آنکه تشریح کرده بود که چه میزان از نمایندگان مدد آگاهی ندانند این کت را هم کرده  
بود که آقای مدد نیز از تباطی میانه خود با جهریان غرض نمی کند و باری همچون دیگران دلسوزی برود مدد  
انتخاب خود نمی نماید. گویا این کت آقای مدد مؤثر افتاده و اینست خواست آن را جریان کند. ولی نیفهمیم  
چرا از راه بدگوئی سپاه پیش آمده. نیفهمیم چرا چنین نظمی از خود نشان داده. از آتسو نیفهمیم چرا  
آقای مدد فراموش کرده که چه میزان آشکاره از نمایندگان او بیزاری می جویند. نیفهمیم چرا جهریان این  
نست نمی پردازد.

یک نکته دیگری که باید در اینجا نوشت آنست که کسانی می پندارند ما نیز از بدینان سپاه میباشیم  
آن نکوهشها که از سرکردگان گریزنا نوشتن این بدگمانی را در دهانی آنها بدید آورده. ولی این گمان یکبار  
بیجاست و ما تنها سپاه بدین نیستیم خودبیز هوادار آن می باشیم و اینکه از سرکردگان گریزنده از برخی انسان  
بردوست و وظیفه ناشناسی نکوش میفهمیم این نیز از راه علاقه نیست و پاک بودن سپاه ایران را از اینگونه گمان  
تکلیف خواست میباشیم

این از علاقه های ما سپاه است که چنانکه از بدان نکوش می بوسیم بیکان را ستایش می کنیم و  
مکسهای مردان چاشقانی را در روزنامه چاپ می رسیم. بهرحال پرچم یک روزنامه ای که بیرو هوس باشد نیست  
ما از روی بلتش این روزنامه را می نویسیم و جز در بی مصالح کشور نیستیم و این چگونه تواند بود که ما می  
سپاه و امنیت آنرا در میان مصالح کشور نشانیم.

## دانستی ها و آموختنی ها

### زبان نوده برای همه

#### یعنی واجبات خوانندگان بدانند و بدینان بدهند

از هم با این اخلاقیات بدو فاسد با این نازکتر و بها  
با این ناباکها با این گونه نظرها با این جدالی که بین  
آنها نوده است با این بصری نوده و تملوی دستهای  
کوچک که خود را جلو انداخته اند میتوان نتیجه دوستی  
بدست آورد.

غیر با این وضع و این ترتیب تنها نتیجه درست  
بدست نیاید بلکه نتیجه وارونه میشود. آنها فکرشان  
اینست که ملت هر که در حضور و جلال و ادب میباشیم  
جزی بدست کنیم. خودمان و مقامان و کجیل و وزیر کنیم  
این ملت آدم بشوینست ملتی که غرض باید بلز کرد. و  
صد لغت برای بداندیشی هزار افسوس از باقیی کسانی  
که این حرفها را شنیده اند و یکدیگر هم میگویند و  
آزاد اصل مسلمی میباشند و هیچ نمی بینند که آنان،  
خود از افراد ملته و هر نتیجه تلقین زهر آگین بداندیشان  
بریان خود خود را خر میخوانند و یل و کتبی نمی بینند.  
برک غیر نشان می خورد. خوانشان چیز نیاید. از جانی  
جنبه، نکاتی بفرمودی دهند کاری نمی کنند، بداندیشی شوند،  
و بداندیشی یکدیگر میگویند.

ای نوده ایران چنین نیست که آن بداندیشان گفته اند  
گویی و دوندگی دانی شما نیست که ساری شما فرد

## اخطار از طرف اداره کل شهر بانی

### اداره کل شهر بانی با اطلاع عموم می رساند که:

چون دولت ایران و دولت های اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر بنابر  
پیمان منعقد فیما بین با یکدیگر متحد میباشند به اقتضای این اتحاد قبلیات بلع دول  
معور و بر علیه متفقین و یا محض نمودن اتباع دول معور منافی مصالح کشور و  
مخالف مقررات می باشد و اداره کل شهر بانی در حدود قوانین و مقررات متعلقین را  
و ر آتقیب خواهد نمود. اداره کل شهر بانی ۴-۴

۴- نیروی دریائی فرانسه و مقررات آن  
پس از شکست فرانسه و ست شدن میان مملکت که  
میان آن دولت آلدات موضوع نیروی دریائی فرانسه  
چندین بار مطرح و توجه جویان را بسوی خود کشیده  
و هر هریک از محفل ارتشی و سیاسی دبایش بی هائی  
در پیاره آن تیره اند ولیکن آنچه مسلم است تاکنون  
نیروی دریائی فرانسه در اختیار دولت ویشی بوده و در انجام  
نموده که در این باره نموده و فا دان مانده است.  
تبریز کاب و روی کار آمدن پیر لاول باعث شده است  
که باز صبه در بابی فرانسه مطرح و در محفل سیاسی  
و ارتشی جهان موضوع گفتگو بشود برای استحضار  
خواهان گان گرامی کم و کتب این بیرو را اجمالا شرح  
می دهیم

بخش مهمی از نیروی دریائی فرانسه که فیلا در اختیار  
دولت ویشی است واحد های آمانه و حاضر بکار آن  
صارت از ۵ نبرد ناو مودرن ۱۲ روز ناو ۶۰ ناو شکن  
۶ کشتی هوا بیما و در حدود ۶۰ زیر در بانی کت  
صده این نیرو در دستر تولوی بوده و چند واحد در آبهای  
افریقای شمالی هستند قیه که دو نبرد ناو هم فسن آن ها  
است در بندر داکار و بندر کاسابانکا و جزایر ملرتک  
می باشند.  
هر گاه سارشی بین فرانسه و آلمان رخ داده (و خیلی  
بید نظیر میرسد) و اجلا استفاده از این نیروی آلمان  
داده شود واحد های موجود در بندر داکار و کاسا  
بانکا و همین کشتی هایکه در جزایر ملاریک هستند  
از جز انتفاع افتاده و با یکی از طرف نیروی دریائی  
امریکا و انگلیس بلذات خواهند شد

۴- هواپیما های آمریکا را فراز خاک  
زبان!

پس از افتادن دژ هونکنوک بدست ژاپن و امتلاقی  
آنها بر جزیره گوام در بدینکین میدان هواپیمایی متعی  
چندین هزار کیلومتر تا جزایر ژاپن فاصله پیدا کرد اگر  
چه هواپیماهای دور رو و نلا ساز آمریکا میتوانند از  
چندین هزار کیلومتر بیرون کرده و خود را تا فراز شهر  
های ژاپن برسانند و دو باره بعد اولی بلز کت کنند  
ولی انجام اینکار مستلزم آنست که عوض مواد متفرجه و  
آتش را خصصا بژاپن و روغن مصری خود را بردارند  
در ایستوت واضح است که اقدام باین کار نتیجه بوده  
و جز انجام عمل اکتشاف سودی نخواهد داشت پس  
سبب زاپریان از احتیال صله هوایی شهر های خود  
اطمینان یافته و گاهی تصور چنین پیش آمده ناگوار را  
نمی کردند.  
ایستادار هرور و عدم اعتنا باعث شد که امریکاییین  
آنها را غفلتگیر ساخته و اعتل حال ناگهانی به بندر پرل  
هاربر را بگیرند.











